

# پیکار

۲۱

دوشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۸ بها : ۱۵ ریال

## میوه چینان انقلاب طالقانی را دق مرگ کردند

ماهه بنام انقلاب و خداد خودکشند و کشته شدند

چهارمین گوشیه کارگران را دق مرگ کردند؟ نکاهی به آخرين موضع و حالات او بود.

▪ خشم او از شهادت میوه چینان انقلاب می دهد . برای او که قریب نیم قرن در راه آزادی های فردی و اجتماعی مردم در رنج برده بود دیدن فجایعی که در همین چند

در روزهای آخر عمر این حقیقت را نشان می دهد . برای او که قریب نیم قرن در راه آزادی های فردی و اجتماعی مردم در رنج برده بود دیدن فجایعی که در همین چند

## خبری از: کردستان قهرمان

روزشنبه ۱۷ شهریور ظاهرا تی به پیشنهادی از شیخ عزالدین حسینی در سانته برگزارشد . پاسداران برای مقابله و پرهیزدن تنشی های اتفاقی که شیرانندگی هواشی کردند مربیان مورث گرفتند در این درگیری دو پیغمبری وحدود ۴۰ تن از پاسدار و جاش (مزدور محلی) کشته شدند . پک چیز ارشتی متعلق به پیغمبری های دست پاسداران افتاد و پک ماشین پیکان متعلق به پاسداران بدست پیغمبرگان افتاد .

در شب شنبه ۱۶ شهریور درگیری سختی بین پیغمبرگهای کرد و پاسداران مستقر در پاسگاه بسطام در ۵ کیلومتری جاده سقز مربیان مورث گرفتند در این درگیری دو پیغمبری وحدود ۴۰ تن از پاسدار و جاش (مزدور محلی) کشته شدند . پک چیز ارشتی متعلق به پیغمبری های دست پاسداران افتاد و پک ماشین پیکان متعلق به پاسداران بدست پیغمبرگان افتاد .

## گوشیه ای از: مقاومت حمامه آفرین مردم مبارز سفر

بوده است ، تا بتوانند بدین وسیله چنین دهقانان را ( برای بازیس گرفتن زمینهای غصب شده و نابودی بقاوی فتوادهایم ) که در شوراهای انتخابیه های دهقانی تجلی شده اند که این راه شهید و زندانی سیاسی داده بود ، با توطئه های بین بینی دولت موقت به اصطلاح انقلابی موافق نیزند . که پک از آنها کمک به نشکن ارتباطی خاص و ملح نمودن آنها

بعد از قیام خونین بهمن ماه ، خلق مبارز و مستعدیده کرد ، که فسالانه در مبارزه با رژیم منفور بهلولی شرکت نموده و در این راه مدها شهید و زندانی سیاسی داده بود ، با توطئه های بین بینی دولت موقت به اصطلاح انقلابی موافق نیزند . که پک از آنها کمک به نشکن ارتباطی خاص و ملح نمودن آنها

## دولت بجای کار برای زحمتکشان ، محیط فشار و خفغان ایجاد می کند

در جریان سرنگونی رژیم مزد و رشامو قیام شکوهمند مردم ، دهها کارخانه کارگر و بزرگ تعطیل شد و سهامداران آنها از ترس خشم خلق به نزد اربابانشان گریختند و تعداد زیادی از کارگران بیکار شدند ، کارگر این ابتدا نظر می کردند که صنایع وابسته ملی می شود و با ایجاد شوراهای کارگری در کارخانجات زندگی فلاکت بارشان سر و سامانی می گیرد ، اما با گذشت ۷ ماه از عصر د ولت موقع آنها کم کم رند متوجه می شوند که کلمه " انقلابی " بدنبال " دولت موقع " بیشتر جنبه طنز دارد و گزنه انجام " عمل انقلابی " از این دولت امکان پذیر نیست . مدشی پیش بود که دادستان انقلاب اسلامی تهران اعلام کرد با کارگرانی که به بیکاری و یا شرابط محیط کار خود اعتراض داشته باشند بعنوان ضد انقلاب رفتار می شود . اینویه بیکاران که با خطر گرسنگی و مشکلات شی از آن روبرو بودند به تکاپو افتادند تا برای سیر کردند شکم خود وزن و چه هایشان راهی بیابند . از این جهت حرفة های مختلف یکی پس از دیگری بوجود آمدند . تعداد زیادی از بیکاران به دستفروشی روی آوردند و با سلط خود را در حاشیه خیابانها و معاشر پر رفت و آمد پهن گردند یکی از این مکانها حاشیه های پارک ملت است .

بقبه در صفحه ۸

**جنیش کارگری**  
● وضع کارگران کارخانه کمیوت  
و کنسروساڑی آستان قدس  
● فشارهاییست حاکمه بر علیه  
کارگران و روستکران  
در صفحه ۸

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن خلقهای ایران

پیکه از صفحه ۱

کسانی هستند و اگر خود او بود شاید بینا به "مالی" نمی گفت اما ما به خود حق من می دهیم روی آقایانی ایشان بگذاریم که قدرت را در حزب جمهوری اسلامی ، در مجلس خبرگان و درشورای انقلاب و نیز در دولت دور دست دارند. یعنی آقای بهشتی ورفتگان - نیز در دوران ایشان و باند آقای سرزدی - همراهان ، قطبزاده - طلبالباشی در دولت و برخی از کسانی که حالا برجهنوازه او اشک تضمیح می زندن .  
صورت کنید که دیدن این وضع آنهم به عقلي که او می دید و اطلاع داشت چه درست - هاشی را برا وتحمل می نمود !

و بالاخره در آخرین سخنرانی ایشان از انجای استبداد "زیرپرده دین" فرمادندندیو.

"از از دست انصار طلبان و بقیه خودش" ایشان که مهد چیز را قبضه کرده - اند "بسیار عذاب می کشید او در پاسخ بینی در که از او پرسیده است "نگرانی شما از چه کسانی است؟" گفته است :  
"از ایشان که مهد چیز را قبضه کرده اند حالا هم می خواهند قانون اساسی را مثل یک قیس برای خودشان بسینند .  
(نقل از همان مأخذ)

● در فروردین ماه به دشمنان آزادی، به فاشیستهای جدید نهیب زد که بسیار

● "ایشان که همه چیزرا قبضه کرده اند" کیستند و چه برسرا و آوردند؟

● حقوق عادلانه خلقها و مسئله شوراها و ونجهای فرباد او .

● "وسط کمر مار را گرفتن" چگونه سیاستی است و یکجا می انجامد؟

"او نسبت به جریان امور در "مجلس خبرگان" تدبیداً ناراحت بود . از روز اول تشکیل مجلس ، نیکرانی او و عزلت گزینی او برهنگان روش بود و چه بسیار کم در جلسات آن شرکت می جست . بالاخره شتوانست تحمل کند و مطلع اندیشی چهت خط" وحدت" و خودگویی گردند و سیاست "وسط کمر مار گرفتن" را دیگر شتوانست ادامه دهند .  
بنفس دربرابر مشغولیت که در برآورده شده اساس می کرد و ترکید و واقعیت مجلس خبرگان را در آخرین سخنرانی اش افشا کرد و با موضع خود بشان داد که آنرا بعنوان مجلس نماینده شناخ و آراء توده های خلق به رسیدت نمی شناسد :  
"من گویند آنها شما چرا این مسائل را در میان توده مطرح می کنی؟ بسیاری در مجلس خبرگان مطرح کنید . من گوییم من می بایست مسائل را با مکلین خودم مطرح می کردم . اینها را وکیل کردند . اینها می - دانندگه هر امرا وکیل کردند ..."  
بادت بزرگ و پر شکوه باد که از گفتن حقیقت سریعی تکریدی ا و در عمل خوبیش درس صداقت به همکان آموختن .

"تنگ نظریها ، راه انداغن چماق" بدمشان ، آتش زدن کتابخواری ها پیش آمد . او این نا ملایمات را همچون "خاری در چشود استخوانی در گلو" تحلیل می کرد و مربحا اظهار می داشت :  
"کروهی که به نام دین بشه - جوامع و اجتماعات حمله می - کند ، آنها که کتابهای آتش می زند با مسلمانهای ناگاهند و با آلت دست ."  
این اقدامات ارجاعی به اشغال

"مدتهاست که اورشیم شورای انقلاب بود . اما از اول معلوم بود که او چگونه رئیسی است . رئیسی که فقط انتظار امسا کردن را از او دارد و حق ندارد دم برآورده ! و گرته هرآ او با آنهمه احسان مشغولیت بنایه گفته بینی در ( در سخنرانی رادیویی صبح روز جمعه ۲۴ شهریور ) ۲۰ جلسه بود که در شورای انقلاب شرکت نمی کرد !  
انصار طلبان تنها می خواستند آزاد و سعنوان یک سیله و یک ماسک استفاده کنند ، او را در راه اهداف دنده اندیشیان استخوار کنند و گردند ... و طلاقشی در این میانه خرد شد . آری ، او را که میتوان بتویی سفارخان این انقلاب داشته باشد " با غایابی" کنندند نا او را از محتوا شورای انقلابی اش شهی کنند ، دست و پاها را بینندند و دروافع او را ترور سیاسی کنند ..."

"مسئله شوراها را " اسلامی ترین مسئله اسلامی " می داشت اما پس از ماهها که آنرا از تهییب امام و شورای انقلاب و دولت گذارانه بود ، می گوید :  
"مدهابار من گفتم که مسئله شورا از اساس ترین مسائل اسلامی است ... ولی نکردن و می دام هررا نکردن . هنوز در مجلس خبرگان درین اصل اساسی قرآن بحث می کنند که به چه صورت پیاده شود ."  
شاید اینطور تشخص بدهند که شورا تشكیل شود دیگر ما به کاره می تسمیم؟ بروید نیمیال کارخان . بدگذازید مردم مسخریت بیداکنند . این مردم هستند که گفته دادند ..."  
اگرچون که طلاقشی در میان مانیست که از او بیوسیم منتظر شما مراجعت چه

اواخر فروردین همزمان با دستگیری فرزند - اتفاقی بروز کرد و ایران را شکان داد . او بی خشم خود به دشمنان آزادی ، به فاشیستهای جدید نهیب زد که بسیار و آنها را بسیاری مدنس رهای خود نشاند . اما حفظ " وحدت" برای او بسیار مهمتر بود ، لذا جهت جلوگیری از شستن ، روحی خشم خود با گذاشت ، از اشای فرمت طلبان خودداری کرد و هم - چنین راه را بر شور " شکن در رهبری " بست و پس از ملاقات با امام در قم اعلام کرد که رهبری امام را می بیند و درگذار آن مثلثه بسیار مهم شوراها را به تصویب امام رساند و به مردم اراده نمودند و مصممانه براین نکته حیاتی که کار مردم می باید به خود آنها واگذار شود با فشرد .  
اما در این اخذ و عطا ، خودش بسیار سنگین را تحمل کرد و بنایه " ملحنت صوم " دم برداورد . و همین " بارهای سنگین " بود که بالآخره کار او را ساخت .

« قبیه حقوق خلقهای ایران و مشتملاً حقوق کرد پیش آمد و او در راس هیئت راهی کردستان شد و حقوق خلقها را بطور امولی و گزه هارجوب طرح شوراهای پیشنهادی خودش پذیرفت و این برای کرده تا حد زیادی امید بخش بود . اما ماهها از افسادهای خبرخواهانه او گذشت و نه تنها شنجهای به دست تباشد بلکه ظفره رفتن برخی مقامات از بوصیت شناختن حقوق خلقها ، کار را به چاش کشاند که چنگ افروزان فرمت باخته کردستان را به حمام خون بدل کنند . این ماهرا فلب پرمهیر طالقانی را چنان فشرد که از آن خون چکید و خود در آخرین سفن - را نی اش گفت :

"در همین مسائلی که درگردستا ن پیش آمد اگر ما بجای پس گیری پیشگیری می کردیم ، اگر آنوقتی که من به مندرج فرمتم دادستان - نمان ، عمل می کردیم و بندها از ایشان برمی داشتند ، بدند - هایی که از طرف رزیم برآنها تحمل شده ، شاید این مسائل پیش نمی آمد با کمتر پیش می آمد ، همینطور نسبت به دیگران و نسبت به همه .  
(کیهان ۱۸ شهریور )

« از آزادی گشی و انصار طلبی میوه - چیزیان انقلاب شدیداً رنج می برد . از خودش بنشویم : " آیا این کارها درست است؟ اسلام بازدن و بستن پیشنهادی - رود . و این می رود . ما باید نشان دهیم که همه در سایه این حکومت اسلامی از آزادی و حقوق بیرون دارند ."  
(در گلستانکوبانی صدر ، در راه قم نقل از سرمهاله انقلاب اسلامی ) ۵۸/۶/۲۰

بچه از منحدر ۱

## خبری از کردستان قهرمان

منفرد شدند.

بچه از صفحه ۲

### میوه‌جینان انقلاب طالقانی را دق مرگ کردند!

دقفات سازمانهای انقلابی و بیوژه محاصره و خلیله دفتر مجاہدین خلق انجامید. از نزدیکان او نقل می‌کنند که پس از اخطیه دفتر مجاہدین بقدیمی منتشر گشت که در اطاق را بر روی خود بسته شروع به گرسنگ کرد.

طالقانی مستعد بود که راه درست راه وسط است، نه چپ و نه راست. او بهمین دلیل، گاه از سر انتقاد خوبی و جهت راهنمایی و زماني تخت فشار نیروهای قدرتمند حاکم که سبل نعمتها را برآورده بازیستند، موضعگیری هاشی علیه چپ نیز داشت. بدون شک چپ نمایشی هستند که طرز تفکر و عمل انقلابی نداشته و گاه فرمود. طلبانه با قضايا بروخورد کرده اند و استقاد و حتی افتخار آنان می‌تواند سمع بادشولی این نیز صحیح است که فشار میوه‌جینان انقلابی و قشرون مذهبی در این اواخر او را به سارش و تسلیم کشاند. و اموخته در سخنرانی‌های ماه رمضان با موضوعگیری‌های خود بر علیه نیروهای انقلابی چیز و موضع کیری بنفع هیئت‌حاکمه در جریان وقایع کردستان، آن‌با آسیاب ارتاج ریخت. گرچه در آخرین نقطه خوبی نشان دادکه به میزان زیادی به موضع درستی دست یافته است.

طالقانی، در زیر فشار موضع "وسط" خوبی، باری سیار سُنگین را تحمل کرد. کارآشی چنین مثی ای چندان دوام ندارد. و سرانجام با ماحب خود را مجبور به انتخاذ یکی از دوسوی "انقلاب" یا "غد انقلاب" خواهد کرد و با او را زیر بار خود از پا درخواهد آورد.

طالقانی شهید که از صمیم دل خواستار بهروزی شوده‌های متبدله ایستاران و جهان بود کهای شوکتنه آرزوی خود را در دست اتحاد رطبهان در معرض پزمردن و پیر-پوشدن می‌دید و طافت پیش از این شیار و آنطور که نقل کرده‌اند با رها آرزوی مرگ می‌کرد. آرزوی شلخ که شناخت فشار طاقت فرسای فدا انقلاب بردشواری خسته است. غذا نقلایی که در قالب انقلاب خود را بهنها ن کرده است. زندگی طالقانی همگئی در سیار بود. شهادت او نیز!

با دادین شهیدبزرگ گرامی باد!

من برویشان اسلحه کشیده‌ام؛ در جواب اینکه در کدام شهرهای کردستان بوده‌ای؟ می‌گفت: "این‌دامارا بدها و بردند، بدگفتند ضد-انقلابی هایه ستدنگ فرار کرده‌اند و مارا به سندج بردند. بعد از ستدنگ گفتند داده‌انقلابی‌ها به همین طرق می‌خواستند ما را به شما مکردستان ببرند. این پردرالیک از شرکت درسکوب خلیکرد شدیداً آنها ریشانه‌ی می‌گردیدند. "ماچه میدانستیم، من از چگاهی می‌توانستم اهل قضايا را بفهمم؟" همای دوره‌مارا گرفته بودند و مردم اخبار را همانطور که دلشان می‌خواست برای مایزگو می‌گردیدند، مثلاً من انتظار داشتم که اینجا باعده‌ای خاشن و خارجی بجنگم، در صورتیکه حال ایم بین من از خارجی خبری نیست و شما هم براذران من هستید!"

### هزارون:

خبررسیده که اعدام ۹ تن را زمزدگان کردکه بستور خلخالی در غرب پهار چارم شهریور انجام گرفت بمورت زیربوده است: هر کدام از این انقلابیون را به دست بک جاش (مزدور) داده اند و گفتند اند هر طور می‌خواهید باید را کشند. جا شاهاب استند است و پهار آنها را بریده و پهار مواردی چشم آنها از زندگانی درآورده و بعد آنها را به گلوله بستند (یعنی که مثلاً اعدام شده‌اند) مانند شهید "حسین پیرخزیری" که سالها معلم روستا های مریوان بود و در میان مردم آن دیوار از محبوسیت زیادی برخوردار بوده است، بطوریکه روستاییان منطقه در باره‌اش می‌گویند: چون این مرد سینه‌ورا و آدم خوبی بوده بنا بر این تیره وی کارگر نبوده و سرش را بریده‌اند. این شهید "حسین معظمی سلطانی" برادر شهید "قواد معمضی سلطانی" از بینی نگذاران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (که ایندا چشمها پیش را درآوردند و بعد اورا تبریز را کردند).



صبح روز یکشنبه ۱۱ شهریور در گیری سخت و طولانی بین پیشمرگهای کرد و پهارداران در نزدیکی سوت واقع در ۴ کیلومتری جاده سقز به مریوان مورت گرفت. در این درگیری سک پیشمرگ شهد و سه تن دیگر خمی شدند. از پاسار ها جا شاهای محلی شده‌اند زیبادی کشته و زخمی شدند که آمار دقیقی از آن در دست نیست.

در روز ۱۲/۶/۴ بک مینی‌بوس حامل چند خانواده که از شهرچنگ زده بانه به سمت سقز می‌رفتند، مورده حمله پک فروند ندان قرار گرفت. فانیوم با شلیک موشک به طرف مینی‌بوس باعث منهدم شدن مینی‌بوس و گشته شدن تمام سرنشیان آن گردید.

ارتش بعد از ورود به سقز، شهریان را در آنچه مسقزگرد است. کارکنان شهریان را از همان آغاز دوران رژیم شاه می‌باشد.

### سقز

## خانه‌گردی به شیوه فاشیستی

بعد از اشغال شهر بوسیله ارتش و پهارداران، عده زیادی دستگیر می‌شوند، دستگیری‌ها به این‌صورت انجام گرفت که چند گاه شهاب (مزدوران محلی) در حالیکه به مورت خود نشان گشته بودند شناخته نشوند، جلوگاهی شده و ارتشیان و پهارداران را به چند گاه شهاب افراد متفرق و چیز ... می‌پرندند. آنها نیز با خشونت زیاد خانه‌ها را گشته و افراد را در دستگیر می‌کردند. سپاهی از افراد دستگیر شده از غیر فعال ترین هنرمندان مرسی‌ساز شهر هستند: زیرا بینشتر عنان مرسی‌ساز شهرا ترک کرده‌اند. نیروهای مسلح رژیم فاشیست وار، حتی زخمی ها را از سیما رستان بیرون کشیدند و در پهارداران شهر بجهوده آتش سپردند.

### محاجبه با یک پاسدار اسیر

این فرد غروب جمیع ۲ شهریور در حین شهادم می‌توان ارتش و تانکها به شهر سقز بدهست. نیروهای مبارز اسیر گشته بود. او خود را اسکن شهرا، چهارراه، عزیزخان معرفی کرده و دیگر می‌گفت: "به ما گفته بودند بالیزبان و میان عمال شاهه کردستان حمله کرده‌اند و میان اینها هرچه نگاه کردم افراد بالیزبان را ندیدم، همه از پیروjوان مردم شهرا هستند که

**بر قول باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی دمکراتیک**

## گوشه‌ای از جنگ حماسه آفرین مردم مبارز سقز

کرد در این غروب شکل گرفت . تانکها و نفر -  
برها و پاسداران بارای پیشوای رانداشتند  
از بیشتر هر خانه و سرگ و درختی برآتکه ای کله  
می بارید ، ارتش تو انت در حمامت شلیک  
رکبار توبه ای و مسلسلهای سکینی که تماشی  
شهر را می کویید ، شعاعی از نیروهای

بسیاری از پاسداران پی بردن که نه برای جنگ زمبا رزه با پالیزیا نه  
بلکه برای سرکوب توده های مردم موردا ستفاده قرار گرفته اند .

**زن و مرد ، کوچک و بزرگ ، یکپا رچه در مقابله هجوم ارتش و پاسداران  
مقامت نموده و قهرمانانه رز میدند .**

خود را به پادگان برساند . در این درگیری دشمن بیش از ۲۰۰ نفر و دو تن اسکن و مقدام ،  
اسلحة و کله ای از دستداد . رزیم خداخنی را  
و سواش خود را با کشتن مردم بی سلاح در  
کوچه و خیابان و خانه به تلاشی ضربه های  
مهلك نیروهای انقلابی و مقامت آهینه شنا  
به وضوح بیشتری شنان داد . نیروهای سا  
سمیکینین ترین نکل خود تایپی از نیمه شب  
ادامه داشت . مردم قهرمانانه شنان دادند  
که برای گرفتن حق شعبین سرنوشت خوبیش ،  
برای دفاع از دستوردهای قیام خونین  
بهمن ماه و ادامه آن ، هر مهاجم و مزدوری  
را با کله ای و کوکلت مولوتو و نفت ،  
پذیرا خواهند شد . نیمه شب بخش عمدت نیروهای  
مبارز ، از شهر غصب شنیدن کرده و در  
کوهستانهای اطراف مسکن گردید . روز بعد  
این نیروها با پیشوای سوی شهر ، که  
نشانی از عدم سازماندهی ذرت و شیوند شکه  
ارتباطی دقیق بود ، زیر آتش پادگان «هله»  
کوپترها ، و تانکهای مستقر شده در دشنه  
«مالح آباد» فرار گرفتند . این بار ارتش  
و پاسداران چهره کریه رزیم را با بهتوب  
بنش دهات ، تمامی ماشینهای در جایی  
(آمبولانس ، خنی ، مافوکن و ...) و مودم  
بی سلاح به نایاب شدند . نیش حزب دمو -  
کرات ، علیرغم تبلیغات دروغینی که رزیم  
راه انداده است ، جز خرابکاری در سناد  
مشترک نیروها ، بخش ثبات و اغراق در  
مورد نیروها بیش در حمه جنگ پیزی نبوده  
است . پیشگرکه های با شیوه حزب که از دهنه -  
شان و بیکاران شهر شنکل شده اند علیرغم  
سیاست عاششانه حزب ، در امر مبارزه بسی  
هیچ چشیده اند مانندگرانهای ، با سایر  
رژمندان گنبدیده اند . با عقب شنیدن نیروهای  
مبارز در این روز شهر بدست پاسداران  
و ارتشیان افتاده است ، موج مقاومت سیاسی  
بمورت تخصیص را همیشه مقاومت نظامی بمورت  
ضربه های پراکنده بکروزیس از اشغال شهر  
هزاره با موج اعدامها ، دستگیریها ،  
خانه گردیها ، تووهن و ... بالا گرفته  
است . مزدوران مقتی زاده خان و اوپیشان  
مکتب قرآن که از لومین ها و کنه ها و اکی  
ها شنکل شده اند ، اتش بیار این معمرکه  
ستند !

علی رغم نقصه های که " دولت موقت " خد  
انقلابی برای اشغال نظامی کردستان کشیده  
بود ، از همین نقطه آغاز گردید . مالک  
روستای " کوقتو " دهستان را از ده بیرون  
رانده و نیروهای متفرق شروعه بیاری روستا .

شبان آواره شده شناختند ، این درگیری به  
شہادت سه نفر از مبارزین و نابودی پنج  
مزدور و فشودال انجامید . " علی اشرف خان  
دشکنیز " مالک خونخوار منطقه جزو کنکه -  
شگان بود . پاسداران " انقلاب " از اشکاب  
بهاری فشودالها شناخته و درگیری پیش  
روزمندگان کرد و اشغالگران به کناره های  
شهرک " ابراشناه " منتقل گردید . این در -

کبیری از خواهی غروب تا نزدیکیهای سحر به  
طول انجامید که به نابودی عده ای از ایسا -

اران و عقب شنیدن شبانه بیمه منجر گردید .  
روحیه عالی مردم در این شهرک و نزفتهای  
از مهاجمین به روشنی سایه ایگر شفاد عobic  
زمختکنان با حکومت خدا انقلابی با زرگان است .

در این نبرد حتی توجهانان و پیمان به  
اشکال متفاوت در مبارزه شرکت گردند . بستان  
نخستگها را با شانه خود برای مسدود  
نمودن جاده . حمل می گردند . نیروهای -

پیشگرکه بعد از غربات سکینی که به سیاه  
پاسداران در ابراشناه زدند ، اسرا و محروسین  
دشمن را به سفر منتقل نموده و در دشنهای  
و کوهستانهای اطراف جاده سندنگ که بیم  
پیاده گردن نیرو با هلیکوپتر و حمله

پادگان به شهر میرفت سنگر گرفتند . پاسدار  
اران مقویت شده با حمایت هلیکوپتر های  
ارتش به دشت " کاربیزه " در پینگ کیلومتری  
شهر رسیدند . نیرو خونین آغاز شد . مردم

قهرمانان شهر که سکینی اختناق و اسارت را  
زمان شاه خانش با گوش و پوست خود تجربه  
کرده بودند ، حصم بودند قهرمانانه از شهر  
و زادگاهشان در مقابله زاند رهای عبا پوش  
و دیگر مردواران دفاع نمایند . حمایت مردم

از رژمندان مسلح به آشکان بازگردان دو  
خانه ها برای قدرت مانور ، آوردند غذا و  
آب ، کمک در درست گردن سنگر ، رسانیدند  
اخبار به سنگرها ، دادند بول برای تهیه  
گله و ... و حتی منکیدن با اسلحه های  
ابتداشی و بجنگ آمده به روشنی خود را شان  
می داد . هلیکوپترها پروازهای اکتشافی  
خود را بر فراز شهر شروع کردند و بعد از  
مدتی کوتاه همراه پاسداران تمام موضع

شناخته شده مردم را به کله ای بستند .

هلیکوپترهای نفویس ارتش که از پادگان  
مقر پلند می شد مرتب نفرات و تجهیزات  
پشت سنگر پاسداران شنیده بی شود . جنگ  
خانه به خانه شروع شده بود . تا شناسی هر  
سنگر می بازیش توسط ارتش ، خانه و کوهجای  
دیگر ، سنگری سترگ می شد برای مبارزه و در -  
هم کوبیدن مردواران و اشغالگران . همزمان  
با رکیار مسلسلهای که شهر و ده را بخاک و  
خون می کشید ، حکومت خدا خاک از طبق  
واسمه های جبره خوا رش به توطئه چینی و لوت



## فسار هیئت حاکمه بر علیه کارگران ورو شنفکران

بدنبال پیوش برنا مهربانی  
شده هیئت حاکمه به نیروهای  
انقلابی و مبارز در سراسر ایران  
که مرکز نقل آن در کردستان می-  
باشد، در خوزستان نیز برنامه‌های  
جدیدی در دست اجراست، دو بخش نامه  
ضمیمه نمونه‌ای از برنا مهربانی  
است که در حال انجام است.

پیوش افراد مسلح به خانه

پیوش از کارگران مبارزندیکای  
بروژه‌ای، داشتگوبان، روش‌نفکران  
انقلابی... آبادان برای دستگیری  
آنها در چند هفته گذشته نیزگوشه-  
ای از این برنا مهربانیهاست.

کسانی که مورده هجوم و حمله  
قرار می‌گیرند از فعالیت‌  
اعتمادات و تظاهرات ضد رژیم شاه  
بوده و اتفاقاً هیئت حاکمه فعلی می-  
ضد انقلابی هیئت حاکمه فعلی می-  
باشد. البته افراد مذکور چون  
درخانه نبوده‌اند، ما مواری‌  
مسلح موفق به دستگیری آنها  
نشده‌اند).

مسئولین محلی هیئت حاکمه  
(همچون دیگر نقاط کشور) هیچ  
ایاشی ندارند که مخالفین خود  
وا با انتساب اتهامات و اهی  
اقدام مسلحه... علیه جمهوری  
اسلامی شدیداً مجازات کنند تا  
زهوجشمی از مخالفین گرفته به  
خیال خام خود برنا مهربانی ضد  
انقلابی خویش را هرچه سریعتر ببهش  
برند.

فان،  
مسکن،  
آزادی



## جنگی کارگری

### وضع کارگران کارخانه کمپوت و کنسروسازی

#### آستان قدس

این کارخانه در سال ۴ تأسیس شده و در  
کیلو متری متله قرار دارد. کارفرما می-  
زن آستان قدس رفوی است و از سه قسمت  
کنهوت و مریا سازی، کنسرو و سودگرانه و  
پلاستیک سازی تشکیل شده است. اکثر کارگران آن زن و از اهالی ده  
به را باد (۱) می‌باشد. این کارگران اغلب  
با دختران ۸-۷ ساله خود کار می‌کنند و  
دونفری ۲۵ شومن مزد می‌گیرند. کارفرما  
برای توجه این دزدیها می‌گوید: «۴۰ شومن  
برای خودت و ۵ شومن هم برای دخترت، هم  
توی کوچه‌ها ول نمی‌گردد و هم روزی ۵  
شومن می‌گیرد»! اینچنان شرکت می‌شود  
کارگران در شنیده استشار و جلوگیری از  
رشد میارزات آنها، غلیق موثر است.

سات کارگران از ۷ صبح تا ۷ بعد  
از ظهر است و در موقعي که میوه زیاد باشد  
(مانند تابستان) کارگران بناجا روزهای  
تعطیل هم کار می‌کنند.

شیوه کارمزدی در این کارخانه نیز  
جهودی برقرار است، مثلاً در قسمت  
سدخانه دختر جوانی است که فقط ۸-۱۰  
شومن می‌گیرد. وی در ازای هرسید میوه‌ای  
که پاک کند یک شومن می‌گیرد و به علت  
بیماری بدنش که به تدریج به فلح شدن  
با هاش منجر می‌شود، در مدت ۱۲ ساعت  
فقط می‌شوند ۸-۱۰ سد میوه پاک کند.

وضع کارخانه از لحاظ بدهشتی بسیار  
بداست. به علت سروکار داشتن زیاد بسا  
آب، بخصوص در بخشی که زنان کار می‌کنند  
های بوسی ناشی از شما با آب و بیماری-  
های مزمن دیگر دچار هستند. کارفرما حتی  
از دادن دستکش پلاستیکی نیز خودداری می-  
کرد، تا اینکه ۱۱ شومنه امثال که گروهی  
برای فیلمبرداری به کارخانه آمد، بودند،  
با عمله همراهی از کارگران یک چفت دستکش  
پلاستیکی داده شد، تا از آن مانند دورا ن  
شانه خان، استفاده شلیمانی کنند.

کارگران زن تحت فشار و استشار  
مغایق قرار دارند. آنها با چهار مسال  
مساله، هنوز رسی و بیمه نیستند، د و

## سمه تعالی

دادستانی انقلاب آبادان - خرمشهر و حومه

بخشنا م به بانکهای صادرات آبادان و خرمشهر  
بقرار اطلاع عده‌ای از کارکنان بانک صادرات قصداً خالل و درستیجه  
مدمه به اقتصاد حکومت جمهوری اسلامی ایران را دارد. بنابراین  
قویاً اخطار می‌شود جنایه روسای شعب و مشولین امراً یعنی عناصر  
را شناسایی و ضمن معرفی اینان بدارسای انقلاب، حکم انتقالیان  
رایه‌استان دیگر صادرنما نمایند مشمولیت مستقیم بر عهده آنان خواهد  
بود.

امضاء دادستان انقلاب

کلیه شعب آبادان و خرمشهر  
عیناً بخشنا م دادستان انقلاب جمهوری اسلامی آبادان جهت اقدام  
ارسال می‌گردد.

حوزه ۵/۵ و ۵/۶ و ۵/۴ آبادان و خرمشهر  
(امضاء)

توضیح: روش است که وقتی این  
آقایان به کارگران حق طلب می‌  
گویند خدا نقایقی، به خلقهای  
که خود مختاری می‌خواهند می‌  
گویند تجزیه طلب، به چه کسی  
می‌گویند اخلاقگر!

★ ★ ★

توضیح: پیرو این بخشنا مه  
روسای نواحی مختلف صنعت نفت  
خوزستان بعنوان ناید سرویس  
بخشها وظیفه داده اند که "مشولین  
کمکاری و بی انتظامی را معرفی  
کنندتا با آنها رفتار قانونی به  
عمل آید" هیئت حاکمه همچون  
رزیم شاه چون نمی‌تواند به درد  
دل کارگران برسد و چون قادر  
نمی‌باشد کاریها را ازین  
ببرد می‌خواهد با بخشنا مه و  
تفنگ و تهدید کارگران را سرکوب  
کند. ولی اگر رزیم شاه از این  
کار نتیجه گرفت اینها نیز خواهد  
گرفت.

سازمان امنیت ایران  
دستورات  
۱۰۲۲۸  
۰۵/۰۱/۲۷  
استاندار خوزستان  
سریت نفت ایران

درباره کمکاری

با زیاد آور می‌شوم که آنکونه که انتظار می‌رود فعالیت سازمان‌های اداری این استان  
آن‌گذشتده و بسیاری از فرمانداریها تحرک لازم را در محیط کارخویش و دیگر  
ادارات حوزه‌ها موریت خود فراهم نمی‌آوردند و پرخی از مدیران و مشغولان  
مرکز استان هم فعالیت چشم‌گیری ندارند و در نتیجه کندکاری و کمکاری بر محیط.  
حکم فرماست و ادامه چنین وصیعی کم کم تحمل ناپدیرگردید و ناگزیر باشد  
جاری اندیشید و کمک اداران را کارگذاشت.

از این روی مقتضی است نظارت بایسته به عمل آید و برایمه کار مشخص گردد و سپس  
برنامه‌ریزی ادوار نامه‌گزاران پیش‌رونده و نیازهای تلاش را با توجه به تغییم بیکسری و  
دانش‌هاید و منظماً گزارش‌بیشترت کار را باین استانداری ارسال فرمائید.  
بدین مناسبت خواه‌شمند است مفاد این ابلاغ نیمه‌ههوار و بدقت مد نظر فرازگیرد  
نایاب استان نرمک نمک سامان پذیرد. بح.

دکتر سید احمد مدنی  
استاندار خوزستان

## رفقا، هوا داران!

خبر امبارزاتی منطقه خود را برای ما بفرستید.  
در صحبت و موقع بودن اخبار نهایت دقت را  
نموده و تاریخ و مشخصات دیگر خبر را ذکر کنید.  
ارسال بموقع خبر را حتماً با خاطر داشته باشید.

## چرا قدرت حاکمه از آگاه شدن مردم می‌هراشد؟



ای قاتل فراز را نشانه گرفته!  
ای استوار بست رشگ برانگیز کوهده وند!  
ای قهرمانیت تبلورتا ریخ قهرمان!  
تو زنده‌ای، که عزم‌تار ریخ زنده است!  
(۵۸/۶/۶ - سعید)

آنکه با استفاده از ناگاهی و توهمندی فریاد برآوردید که ۱۱ نفر اغلاسی تبریز را شد. جراحتی بدانتند که سینه خسین پیرخراشی، معلم روستاهای مریم‌توان را که در منطقه از محبویت زیادی سر خوردار است، جاشای شا ابتدام‌بریدند و بعد تبریز را گردند.

چرا نباید بدانتد که جاشای شما ابتدام‌چشمای خسین مطوفی سلطانی برادر شهید فواد سلطانی (از بنیانگذاران سازمان انقلابی حمکستان کردستان) را زنده زنده درآوردند و بعد او را به جوخ آتش سپردند.

چرا ... آری، شما با آنکه هنوز نشنگی خون از سرخان نبریده است، وقتی عکس را دیدید و حشمت گردید. وحشت از خشم خلق، وحشت از آگاهی مردم. اما دیگر خلیل دیر شده و شاریخ قفاوت خود را گرده است.

این خصوصیت مشترک همه دولتهاست. فاشیست تاریخ است، چون چشمستان بساری دیدن نور خورشید آگاهی را ندازد، با

مشاهده اولین نبنده‌های صبح، در خلوت تباہی خود بانگ می‌زنند؛ خورشید را به آتش و شمشیر!

اما اینکه مداری رویش‌گلبوشهای صبح در اینجا قاتم شد. خوبش عاشقا شد پذیرفتند.

موج می‌زند ■

در اخطار نامه بالا آقای دادستان، بهانه آوردند که عکس مذکور "مسوره اعتراض جامعه قرار گرفته است". اما این یک سربوش است، آنرا برمی‌داریم شما ببینیم زیر آن چه می‌گردد.

واقعیت اینست که شما با تعطیل همه روزنامه‌های متفرق و در اختیار گرفتن شما رسانه‌های گروهی، واقعیتها را آنطور که می‌خواهید تحریف می‌کنید، ولی در برآمده بکشکر و روشن شدن کوشای از واقعیت چنان بخود می‌لرزید که اخطار نامه مادر می‌کنید. جرا از آگاه شدن مردم وحشت

است، سند جنایت قدرت حاکمه آنهم نه پس از سالها دیگران توری، بلکه فقط ماه‌هاست پیاز فیام . آری ! این طفل بکشید . ره مصاله رفتنه است. بهمنین جهت دادستان دادسرای "انقلاب" ستان مرکز به روزنامه اطلاعات بمحوریتی که درزیز می‌بینید اخطار می‌گند.

### احظطار دادستان دادسرای انقلاب به روزنامه اطلاعات

تهران - خبرگزاری پارس - این اطلاعه‌های پرور از طرف احمد آبدی قفسی دادستان دادسرای انقلاب استان مرکز منتشر یافته.

پیرو دستور امام و دادستانی کل انقلاب قبل اصلام شده بود که روزنامه نگاران از درج مطالب ناصحیح با تبیه مارا درست و عکس‌های مهجوح و همچنین از درج اکاذب و مبالغه که باعث انتقام افکار و تشنج در بنی افسار ملت شود خودداری نمایند. لذا توجه مسئولان موسسه اطلاعات را به عکسی که در مخصوص اول روزنامه موئی ۵۸/۷/۳ که مورد اعتراض مامنیه قرار گرفته است جلب و به آن روزنامه برای اولین بار احظر می‌شود که در شر و انتشار عکس و مقالات دفت پیشتری بعمل آورده. در صورت تکرار تضمینات شدیدتری اتفاق خواهد شد.

نقل از: روزنامه جمهوری اسلامی،  
دوشنبه ۱۹ شهریورماه ( )

## بازهم درباره حزب دمکرات

همانطور که در شماره‌های قبل گفتیم، حزب دمکرات همواره کوشیده است که با جمیع آوری امکانات و تکبه برآنها با رژیم سازش کند و بهمی ازقدرت را دست آورد. سفرهای مکرر قاسملو به تهران و قم نبزد رهبری را بایطه بود. در رگبیریهای غیرکردستان، حزب دمکرات فعالانه شرک نکرد و نبیرها پس از رادرگیر شدند. درست در موتفیکه جنگ سختی میان رژیوندگان گرد و شورش در شهر سقز جوزان داشت، حزب دمکرات تدارک حمله و غارت پادگان را می‌دید. شاعدهای انتخابی و لافزی بکی از نگردهای دیگر حزب دمکرات است. یک روز شنبه ۲۰۰۵ نفر از بیشمیرگاهی آنها پادگان سقرا محاصمه کردند. روز دیگر شنبه بایع کردند که پادگان سقرا تصرف کرده‌اند... خلاصه غالیکن‌تیره‌هایشان را بطور حدی جاشی دیگر نمی‌کنند ولی ادعای رنگه همه‌جا هستند و همه‌جا چنگیده‌اند. مثلاً فرادرای روزی که جنگ سخت سقرا درگرفت، شنبه شد که حزب دمکرات پادگان سقرا تصرف کرده‌است. حدود ۳۵۰ رزمنده کود (افراد اتحادیه‌های دهقانی، مردم و...) بروای پاری بطرف سقرا حرکت می‌کنند، اما در همین راه مورده‌ها هم رکاب راهی هلیکوپتر شدن فرا می‌گیرند و ساکن‌نشده‌های از کار می‌فتد، بطوریکه مجبور می‌شوند بپاده شوند در همان نزدیکی حزب دمکرات بکشند و شریعه‌ی روی چیز سوار کرده بوده می‌توانست با بهره‌گیری از آن مانع شده‌ایم هلیکوپتر شود. ما سرشناسان چیز با مطالعه هلیکوپتر، سرعت منطقه را ترک کردند.

هیشتی که چندی پیش از مهاباد پسرای مذاکره به تهران آمد، حزب دمکرات راه اندخته بود، اما شرایط نورای شهر چار زناگی مذاکره به متوجه شرسید آبرویش نزد (شوری) شهرها با دکاملاً زیرنفوذ حزب دمکرات است (لازم بهم‌آوری است که دولت وقت با پیشتر خواستهای این هیئت از جمله تأثیرگذار اولش در مهاباد موافق نکرد. عز الدین حسینی طی یک اعلامیه در تاریخ ۵۸/۶/۸ است که نورای شهرها با دهیجه‌وجه تحت نظر او کار نمی‌کند. ورثت و آمش به تهران مورد تأیید وی نمی‌ست. ■

**توضیح:** در نسخه تصحیح نشده پیکار ۲۰ صفحه‌ء در خبر مربوط به "سیرون راندن" فئودالها توسط "دهقانان و نقلابیون در کوقتو" اشتباهات ناشی شد. کاک محمد رشید، کاک محمد رشید قید شده بود، که بعداً تصحیح شد.

بیاشد همه نبوبی کیته . دیگری گفت اگر می- خواهد اینجا چیزی نفروشند یا برایشان کار پیدا کنند ، یا خرچان را بد همی . حدود ۱۵ نفر از کیته چی ها آنجا مانه بودند که مردم را متفق کنند . یکی از دستفروشها به

باقیه از صفحه ۱  
دولت بجای کار برای زحمتکشان ،  
محیط فشار و خفغان ایجاد می کند

روز جمعه ۵۸/۶/۱۵ حدود ساعت ۷/۵ بعد از طهر دستغروشها سرزمی کاریان بودند که افراد مسلح کیته سلطنت آباد سر و رسیدند و گفتند : جم کنید ، اینجا جای فروش نیست . عده ای سا ط خود را جمع کردند و عده ای همچنان به کارشان ندا م دادند . افراد کیته می خواستند سا ط چند نفر را بهم بزیند که با اعتراض شدید مردم روبرو شدند ، آنها یکی از دستفروشها را که جوان ۲۷ ساله ای بنظر می رسید و نسبت به برجیدن سا طها سخت اخراج شدند . داشت ، دستگیر کرده و داخل ماشین اند ختند . صدای اعتراض مردم بلند شد و همگی بدرو ماشین حلقه زدند و مانع حرکت آن شدند . یکی گفت : شما که از پاسانها بدر تر کردید . دیگری گفت چرا میگیریدش ، اگر چیزی نفروشند ، پس دردی بکنند ؟

یکی از افراد کیته گفت : ما نمی دانیم هر کاری که می خواهند بکنند ، اما اینجا چیزی نفروشند . یکی از افراد مسلح برای متفق کردن مردم تیر هوایی شلیک کرد ، اما مردم که در حربیان فیام با خود در سقوط پادگانها و مراکز دولتی شرکت داشته و تیر اندازی کرده اندوا از زندیک شاهد تیراندازی و درگیری بودند ، دیگر صدای تک تیری نمی توانست مفترضشان کند . یکی از افراد کیته که سی ساله بمنظر می رسید ب شخصی که سرو وضعش از بقیه مرتب تر بود و صورت تاره تراشیده و پراقی داشت ، گفت : حاجی ، من خجالت می کنم ، بیاید هر یه چیز نفروش . را بد همیشگی داشتند ، یکی از اینجا چیز نفروش . جوان ۲۲ ساله ای از میان جمعیت به چیز نفروش گفت : تو پرونده داری ؟ مرد گفت چه پرونده ای ؟ گفت پرونده دزدی ، چیز ببری ؟ گفت : خوشبختانه این را هم دارم . جوان گفت : پس چرا معطلی ؟ سرو کیته استخدامت می کنند . مردم خندیدند و با اینجا چیز نفروش . به جگر نفروش گفت : تو پرونده داری ؟ مرد گفت چه پرونده ای ؟ گفت پرونده دزدی و حاضر شد از ماشین بیاده شود . یکی از افراد مسلح که قیلا به سرداشت شان (حاجی) اعتراض کرد و از وضعی که بوجود آمده بود ناراحت بود نزد جوان دستغروش رفت و از او خواهش کرد که بیاده شود . جوان فریاد کشید که : تازمانیکه معلوم شود جرم چی بود که دستگیر کردید پیاده نیشوم ، افراد کیته ریختند روی سرش و خواستند صدایش را خفه کنند . مردی که کیته چی ها حاجی صدایش میکردند گفت : مردم را دور خود می جمع می کنی ! هان ؟ بگذار بیم کیته ، آنجا بدتر را در می آوریم . جوان فریاد زد : خدا ! بگز ما انقلاب نکردیم پس اینها چی می گنی ؟ دو نفر از افراد کیته به صورش سیلی و به دستهایش دستبند زدند و او را بردند . مردم همه جمع شده بودند . یکی گفت :

## خلق کرد خود مختاری می خواهد نه جنگ

پیکار

بقيه از صفحه ۱۰  
آگاهی و مقاومت مردم آبادان،  
ارتجاع را رسوا نمود.

بنین مردم بحث در میگیرد . عدهای بنین حرکات را محاکوم میکنند و عدهای دار نواب میگویند "باید خود مردم جلوی بینها را بگیرند" . گروهی میگویند "بسیمته ها و پاسداران چکاره اند؟" و عدهای پیکر جواب می دهند : "ما پابده پاسداران نمک کنیم تا اینها را دستگیر کنند . چند غفر میگویند : اینها خودشان از طرف سیمته پشتیبانی می شوند . در این موقع افراد کمیته با پسک مامشین رو باز به منطقه می رسدند . ولی عملاً تاری انجام نمی دهند و منتظر عکس العمل مردم میمانند . شب بعد دوباره "مجیدگاوی" و دار- دسته اش پیدا شان می شود و به دست فروشی ها حمله میکنند و سپس بطرف سینما رکس راه میافتد .

در این بین جوان کم سن و سالی که از  
سیمان جمعیت فرباد زده بود "مرگ بر مجید  
ناوی" توسط آنها کنک می خورد تا اینکه  
یک نفر از شهریاری با ۵-۳ می آید و مجید  
را بطرف شهریاری می برد . مردم شروع به  
هو گردن او می کنند و در مقابل شهریاری  
اجتماع می کنند . با اداران تبرهواشی  
تلیک می کنند و جمعیت بحالت فرازیرا کنده  
می شود و در جین فرار شمار "مرگ بر  
روشاع" را می دهد . بعد از ۵ دقیقه باز  
بیکر جمعیت در مقابل شهریاری جمع می شود و  
در این موقع یکی از پاداران دوباره تبره  
هوایی تلیک می کند که جمعیت تکان نمی  
خورد و شمار می دهد : "مرگ بر ارجاع"  
روشاع نایاب است ، آزادی پیروز است ،  
با مرگ یا آزادی " . آنگاه بصورت یک  
صف مشتمل به طرف سینما شیرین سه وا می  
فتحند و مردم را به پشتیبانی دعوت می کنند  
دهدای ابه آنها می بینند و عذای هست  
از پیاده روها آنها راه هرازی می کنند .

در این موقع گروهی که شدادران زیاد شدند بدبندی جمعیت را می افتشدند و شمار اسلام پیروز است، کمونیسم نایاب داشت. من دهنده، خطه هرات به مردم کفر بستنی به دور مکرر شهر انجام می کرد. جمعیت دوباره به سینما رسک می رسد و شعار "تبا آزادی مطوعات شفافت ادامه دارد" را می بردند و خسیده به شهریاری پراکنده می شود. این حرکت نشان دهنده آن است که مردم بیارز ما که سالها خرو و اختناق وختناک آربا مهری وا حمل کرده اند، در مقابل فشار وزور گوش در هر لبی اس و اکتشاف نشان می دهند و دیگر حارف نیستند در جو ترس و وحشت زندگی کنند. عکس العمل سردم به گردانندگان این برداشتماها در آستانه نشان داد که اگر بخواهند این اعیان از ارجاعی را ادامه دهند با مقاومت شدیدتر شوده اند و برو خواهند شد.

هوا بیبا " معمولی " بوده و یا بمنظور شناسایی در راست پیاران مرد میگنای باه انجام گرفته ، و یا اینکه سقوط آن بعلت نقص فنی بوده و یا یک سوه صابت کرده است و یا گلوب خورد است ! اینها ، همچنین کار برای سرد مداران رژیم کوتني مطرح نیست انجه مطرّح است اینست که چه چیزی بیشتر می-  
تواند مردم را علیه انقلابیون راستین و خالق کرد  
حریک کند .

دستگاه شهیغانی ریزی سرسپرده بپلیو نیز  
همواره مبارزات خلقهای ایران را کار عده‌ای  
"اویاش" و "اخلاکنگ" و کسانیکه برخلاف صیغه  
ملت و یا "تجزیه طلب" هستند، وانمود میکرد.  
یاد مان هست که ظاهرات مردم دلیربربر  
را به "اخلاکلگران" و عده‌ای اغالش نسبت  
می‌داد و حتی یکی از تباينگان در مجلس سنای  
گفت: "نمیدانم این اخلاکلگران از کدام مرز وارد  
بیرون شده اند و شناسنامه ایرانی گرفته اند"  
بنینه را فقایه کنید با گفتر عقاید مولت  
لیکه می‌گویند "اخلاکلگران" از مرز عراق وارد  
بیرون شده اند، وزیر کوشونی که تاکنون علاقه داشتند  
خود را در استفاده از ابزارها و امکانات رزیم  
مزد و رو شاه نشانداده است (اعم از ارشق، دستگاه  
داری، و ... ) در مورد استفاده از همان  
كلمات که رزم خائن شاه درباره خلقهای مبارز  
بیران بکار می‌برد نیز، هنر خود را بنماییش  
گذاشته است.

اطلاعه های دولت و ارتش در مورد سرکردی مردم، تفاوت چندانی با اعلامه های فرماداری نظامی زمان شاه ندارد. دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه میزرات مردم را کار "تعدادی اخلاقگر" می خواند و استاندار کرمانشاه هم می گوید: "این عده که تعدادی اخلاقگر و ضد انقلابی نیز رسان آنها هستند جمما در حدود ۲۰۰۰ نفر تخصصین زده می شوند. (جالب توجه است که ابوشریف فرمادنه سپاه پاسداران که خود در جریان مستقیم واقعه بوده این عدد از ۲۰۰۰ نفر ذکر کرده است.) (کیهان ۲۵ مرداد ۱۳۹۰)

نگردید . . . . جنابه با تدبیر با آنها گفتند  
می شد و قول برنامه های عمارتی و رفاهی مسور د  
تفاکر ای آنها را سرینا می دادیم کار به براز رکشی  
و کشتار در سطح شهر نمی کشید .  
این سخنان معلوم می کند که مردم خواست  
عمارتی و رفاهی داشته اند و "تجزیه طلب" و از  
غفاران بالیزبان نبوده اند . آجبا که صحبت از  
برادر رکشی و کشتار در سطح شهر می شود، نشان  
می دهد که آنها نه مهاجم بوده اند و نه از خارج  
کشور آمده اند .  
اینها فقط چند نمونه از تناقض گویی مقاماتی  
است که هر کدام کاملا از وقایع باخبرند ولی برای  
فریب مردم به هر دفعه روی مقول می شوند . این  
موجودات با باید بیان می اورند که چگونه زیم خائن  
شاه با آنهمه همارت در فربیکاری و دغلبازی و  
برخورد ای از امکانات فاشیستی و چنهنی ارتضی و  
ساواک سراجم قدرت کافندین بد بر این حرکت  
میکناره و شوکه نموده ها در هم پیچید . دیگر  
آن زمانیکه مشت اینان نیز برای توده ها  
نمی شوند . فاعل ما با اهل الہام .

## تحریف حقایق برای تحریک قودها

تفاقدات حرفهایشان را بینید:

روز حاکم از همان ابتدای روی کار آمد تا  
سعی در رازسازی ارش و دستگاههای دولتی روزی  
مزد رو شاه داشته و همواره در جهت سرکوب  
زحمتکشان و خلقوی مسینها ن گام برد اشته است .  
ناتزه ترین نعونه آن سرکوب و کشتار و جشنیان خلق  
قهرمان کردستان است ، که شخصاً از بعد از قیام  
تارکون پرجعد از تداوم انقلاب بوده است . برا ای  
آن نظیر ابتدا تعطیل طبیعت متفرق در دستور  
کار فرار میگیرد تا مردم از واقعیت آنچه که می -  
گذرد را میاطلاع سانند و آنگاه توطنه ارتجاع و  
حوالی امیرالیسم علیه خلق کرد تحت عنوانی می -  
شد «انقلاب » ، «اخلاقلگر » ، «تجزیه طلب » آشنا  
می گردد . در این روزها رژیم و گروههای انحرافی  
طلب حاکم با سپهه گیری از طبیعت و ایستاده و راد بسو  
بزیون سانسور شده و با تکیه بر توهمند و ناتاکه ای  
تووده ها برای توجیه اعمال ضد خلقی خود بسا  
تبیلیقات و دروغ برآنکنی دست به تحریک مردم زده و  
در این راه با هم به رقابت می پردازنده .

برای نمونه تئاتری گویی دست اندرا کاران داشت  
موقوت به اصطلاح انقلابی را در ریاه فانتومی که بر  
سر مرد میگنایه پاوه بسب ویخت از لابلای طبیعت  
مرور میکنم . در مرود فانتومی که در روزه ۲ مرداد  
ماه سقوط کرد ، مقامات دولتشی می آنکه از هم را ن  
مرد م باوه سخنی بیغان آورند ، هر صاره جنین  
و اعتماد کردند که برواز فانتوم مذکور بـ «ک» پرسواز  
معمولی «بـ داده !» تیمار صفتی سربرست  
شیوه هوشایی در مرود طل برواز این «جـ بـ»  
منطقه پاوه گفت : «برواز این چـ یک برواز معمولی  
بـ داده و هیچگونه ماوری ارضی نداشته » (کیهان  
شنبه ۲۷ مرداد ماه ) آنکه به مردم جنین و اتمو د  
میکنند که گویا چـ معمولی «با توب ضد هوشایی  
» مهاجمان و ضد انقلاب «سقوط کرد و » خـ  
انقلاب «خلیان و کمک خلیان آنرا کشته است . روزـ  
له جمهوری اسلامی از قبول خبرنگار خود در ریاه  
ی نویسند : «بگفته منابع آگاه در ریاه ، چـ فانتوم  
مرود اصابت گلوله قرار گرفته است . »

اما سختگوي سياه پايداران اتفا-  
لاب در  
توضيحات خود مسئله را کمی روشنتر ساخت و گفت:  
يک فروند فاتنوم که در داخل دره مشغول شناسا-  
نی طبقه بوده (۱) به علت در تبررس قرار گرفتن  
بورد اصابت گلوله ضد هوایی قرار گرفت و پس از  
زر بخورد و دره سقوط کرد (کیهان، شنبه ۲۷  
زداداد، ۱۳۹۰) (بنابراین دره سقوط نیروی  
هوایی، هواپیما پرواز معمولی نداشته و دیقا-  
ما مویست ارتش داشت است).

مقامات مسئول ( که هر کدام سنا بر مستوی اشان  
دقیقاً در جریان واقعه هستند ) در هر کجا که  
ازم بینند از گفتن هیچ دروغی خودداری نمی-  
نند ، این موجودات برای موجه نشان دادن تها-  
جم خود و تحریر مرد مذاکره بهرد روغی متسلط  
میشوند . سختگویی ستد شترک ارش جمهوری  
سلامی در مردم سقوط یک فروند هواییان نیروی  
هوایی گفت : در ساعت ۴ و ۶ دققه روز پنجشنبه  
۵/۵/۱۹۵۸ این هواییان مبنظور شناسایی (۱) از  
بادگان حر ( شاهرخی سابق ) به پرواز درآمد و  
سی از پرواز باشد تعلق نداشت (۲) ضمن اعلام  
پیغامت خود به برج کنترل در منطقه پاوه سقوط  
کرد (۳) . ( که بآن یکشنبه ۲۸ مرداد ) من بینند !  
در این طبقات معلوم نمی شود که پرواز این-

## احیای خلافت در قرن بیستم

نکته‌ای که در رابطه با مراسم تشمیع  
جنازه آقای طالقانی به‌وضوح می‌شد دید،  
گوکشی حاگل مرتعی بود که آشکارا مرد م  
را از دادن شماره‌ای سیاسی و آکا هی بخشن،  
مترجف ساخته و این حرکت فی الواقع سیاسی  
را از محتوا خود شنید گرداندند و چنین  
بود که شفار "بیام طالقانی" برای هر  
ایرانی، شهادت است و شورا "تبديل به"  
شماره‌ان قلب مانده و مراسم سینه زنی شد  
که حتی خود آیت‌الله طالقانی در دوران  
حیا تشکیل کلمه در ناشید چنین حرکاتی  
نگفته است.

پاکستانی تکمیل

در هفته‌ای که گذشت شاهد بکی از عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین مراسم سوگواری می‌بودیم که شاید بتوان آنرا از نظر همه‌گیر می‌بودن ، عظمت و شمار شرکت‌کنندگان بسا

## در هفته ای که گذشت

قشیون متوجه درمددندا شا روپنای  
سیاسی دلخواه خود را که چهزی جاستقرار  
نهادهای فشودالی و حتی ماقبل فشودالی  
نمیست، درتمامی عرصمهای جاری گند. ما  
اکنون شاد کوششهاش هستیم که از جانب  
ارضاع حاکم و درجهت شکل دادن به نظامی  
متضاد مورث می گیرد این نظام متضاد که  
ملاماً دیری نخواهد پاشید، در عرصه زیر-  
بننا استقرار روابط سرمایه داری و دربهنه  
روپنای حاکمیت تهادهای بوسیده و گهنه و  
فشودالی را هدف قرارداده است. هماکنون  
پیویسی میتوان دیدکه عرصه مورد توجه  
خرده بورزوای مرغه سنتی و دروار آن آبتد  
الله غمینی معدتاً به روپنای سیاسی  
حدود می شود، طبیعی است این روپنای  
گکنه با آن زیرپستای اعتمادی که بورزوای  
گفرم همتبه استقرار آن بسته است، نسبت-  
تواند در مجموعه واحدی غمزیستی گند. از  
طرف دیگر بورزوای گفتایانه مند روپنای  
سیاسی خاص خود می باشد زیبون تر از آنست  
که در عرصه روپنای آشکارا به مخالفت با  
تعجب و واپس گراشی قشیون که هر روز ابعاد  
گستردۀ تری بخود می گیرد، برخیزد.

قریب هفتاد سال پیش و قتنی که ارجاع  
در پوشش "مشروعه" خواهی شوانست اصلی را  
در قانون اساسی بگنجاند که طبق آن ۵ نفر  
از روحانیون حق وظی قوانین معمویه مجلس  
شورای ملی را داشته باشد، در عمل هیچگاه  
جای استفاده از چنین "حقی" را نیافتد.  
لکن اکنون پس از گذشت هفتاد سال که سراسر  
خونو از مبارزه برعلیه ظلم و استبداد  
بوده است، هیئت حاکمه اصلی را مقام  
قائمنشی می نمهد که مدیر ارجاعی شر از  
آن قائمنشی است که هفتاد سال پیش در عمل  
داغ باطل برمیشانی اش خورد.  
رابطه "چوبان و گله" ای که از ابتدا  
از جانب هیئت حاکم منای کار قرار گرفته  
بود، سرانجام در هفته ای که گذشت جنی  
"قائمنشی" بآفت: اصل "ولایت فقهی" به  
تمویب "جلس خبرگان" درآمد. اصلی که  
آشکارا حقوق ملت را نادیده می گیرد. اصلی  
که آشکارا دهن کجی بدآرا میدم است.  
اصلی که بعدها گذاش خواب خلافت دیده اند  
و سرانجام اصلی که دهها سال بازگشت به  
قیصریا و نمودیم درده.

آگاهی و مقاومت مردم آبادان، ارتقای را رسوا نمود

باواره کردند. بعد از ماجرا عده‌ای از مردم  
جمعی شوند و شروع به هو کردن آنها  
می‌کنند، که منجر به چند درگیری بین  
مردم و داروودسته نامبرده می‌شود. پس از  
نهاده در موضع ۹

کتابخانه و موزه های از کردند.  
روز چهارشنبه ۲۱ مرداد ماه حدود  
 ساعت ۸ شب کتابخانه " اراضی " که بسته  
 بود بوسیله گروه مزبور به آتش کشیده می  
 شد . آسما کتابخانه، موزه و میراث ایران

آبادان - پس از حمله به دفتر  
دانشجویان مبارز و پیشگام در آبادان  
نهاد، گروهی معلوم احوال که مردم آبادان  
آنها را بخوبی می شناسد و سرستد آنها  
فروع بنام "محمدکار" است، حمله به

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر